

جناح‌های درگیر از حمایت عموم برخوردار باشند.

دموکراسی حاکمیت قانون است و اسلام گرایان برخلاف قانون عمل می‌کنند؛ اگر اسلام گرایان بر اینکه قدرت قرار می‌گرفتند، دیگران را حذف کرده و قانون «یک نفر، یک رأی، برای یک نوبت» را به اجرا می‌گذاشتند. باید به خاطر داشت که ابتدا اسلام گرایان موج ترور مخالفان را آغاز کردند. حتی در روز انتخابات به مراکز نظامی حمله نمودند و در صدد تضعیف دولت برآمدند.

در زمینه نقض حقوق بشر در الجزایر اعتراضات زیادی به گوش می‌رسد، معترضان باید به خاطر بسپارند که در صورت روی کار آمدن اسلام گرایان اوضاع به مراتب وخیم‌تر از این عملکرد گروه نحوه رفتار آن در زمان کسب قدرت را نشان می‌دهد. در حقیقت اقدامات دولت بیشتر در واکنش به عمل اسلام گرایان است.

□

توسعه تسلیحاتی و

امنیت ملی مصر

رابطه میان توسعه و امنیت

امنیت ملی عبارت است از: «توانایی کشورها در بهره‌برداری از منابع قدرت خویش، در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، معنوی و اجتماعی برای

مقابله با خطراتی که آنها را تهدید می‌کند و نیز اطمینان از استمرار روند بهره‌برداری از این منابع در زمان حال و آینده».

بنابراین، امنیت ملی به تنهایی هدف محسوب نمی‌شود، بلکه شامل تلفیق منابع گوناگون قدرت در چارچوب یک استراتژی کلی می‌شود که برای تحقق هدفهای ملی تنظیم شده است.

در چارچوب بعد خارجی، امنیت ملی، توسعه نیروهای نظامی، برای مقابله با تهدیدات خارجی ضروری است. در بعد داخلی امنیت ملی نیز تقویت نیروهای انتظامی برای جلوگیری از تهدیدات داخلی ضرورت دارد.

فرایند توسعه نیروهای مسلح مصر

فرایند توسعه نیروهای مسلح مصر شامل دوره‌های مختلفی به شرح زیر است:

۱. پیش از ۱۹۴۸؛ مصر از آنجا که مستعمره بریتانیا محسوب می‌شد، فاقد یک ارتش منظم بود. تنها یک نیروی محدود داخلی وظیفه نظم و آرامش داخل کشور را برعهده داشت. به همین جهت، ارتش مصر تا پیش از این دوره هیچگونه آموزش یا تجربه جنگی قابل قبول نداشت. این وضعیت تا جنگ ۱۹۴۸ اعراب و اسرائیل که به شکست ارتشهای عربی و شکل‌گیری اسرائیل انجامید، همچنان ادامه داشت.

۲. کودتای ۱۹۵۲؛ با این کودتا تضاد آشکاری در سیاستهای کشورهای عربی به وجود آمد و دیدگاههای مختلفی درباره

منازعه اعراب و اسرائیل پدیدار شد. در این دوره، لبنان امنیت ملی خود را در تضمینهای بین المللی می دید، عراق به پیمان بغداد پیوست و سوریه، اردن و مصر دکترین دفاع استراتژیک مشترك در مقابل دشمن مشترك را پذیرفتند.

۳. انعقاد قرارداد تسلیحاتی میان مصر و چکسلواکی؛ در ۱۹۵۵، شکاف بزرگی در دنیای عرب ایجاد شد و آن را به دو بخش تقسیم کرد که بخش اول ارتباط نزدیکی با ورودگاه شرق برقرار نمود و بخش دوم، پیوند مستحکم خود را با ورودگاه غرب حفظ کرد. تلاشهایی که برای توسعه تسلیحاتی مصر و سایر کشورهای عرب به منظور مقابله با اسرائیل صورت گرفت را می توان به سه مرحله تقسیم کرد:

مرحله نخست (۱۹۶۷-۱۹۵۵)

مرحله نخست را به شرح زیر می توان تقسیم کرد:

۱. نیاز روز افزون مصر به اسلحه، تعیین شرایط دشوار از سوی ایالات متحده آمریکا برای خریداران اسلحه آمریکایی و قابل حصول بودن اسلحه روسی، مصر را برآن داشت تا برای خرید اسلحه به ورودگاه شرق روی آورد. در ۱۹۵۵، مصر اولین مرحله توسعه تسلیحاتی خود را به انعقاد یک معاهده تسلیحاتی با چکسلواکی اختصاص داد.

۲. در پی وضعیت جنگ میان مصر و اسرائیل، مصر در ۱۹۵۵، با محاصره تنگه تیران، اسرائیل را از عبور دریایی و هوایی از

کانال سوئز محروم کرد. در ۱۹۵۶، مذاکرات میان مصر و انگلستان، به تخلیه کامل کانال سوئز از جانب نیروهای انگلیسی انجامید و همزمان، جمال عبدالناصر، رئیس جمهور مصر، این کانال را ملی اعلام کرد.

مسئله اخیر، باعث تشکیل یک اتحاد سه گانه، متشکل از اسرائیل، بریتانیا و فرانسه و یورش این سه کشور به مصر در سال ۱۹۵۶ شد. با این حمله، شبه جزیره سینا به اشغال کامل نیروهای اسرائیلی درآمد.

۳. یورش اتحاد سه گانه، انهدام ۵۰ درصد ارتش مصر، شکسته شدن محاصره تنگه تیران و سرکوب عملیات فداییان فلسطینی را در پی داشت و در نهایت، با مداخله آمریکا به عقب نشینی کامل اسرائیل از صحرای سینا در ۱۹۵۷ انجامید.

۴. از ۱۹۵۷ به بعد، فرایند توسعه تسلیحاتی، شاهد مرحله جدیدی بود. آمریکا برای جلب حمایت جهان عرب، توجیه صادرات اسلحه به اسرائیل و نیز توسعه صنایع تسلیحاتی خود صادرات اسلحه به جهان عرب را از سر گرفت و به طور متقابل، اتحاد جماهیر شوروی نیز از ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۱، ۸۶ میلیارد دلار به خاورمیانه عربی اسلحه فروخت.

۵. تجربه های بدست آمده از فرایند توسعه تسلیحاتی طرفهای متنازع؛ این تجربه ها به دو کشور اسرائیل و مصر مربوط می شوند.

الف) اسرائیل؛ سیاست گذاران این کشور دریافتند کشورهای عربی توانایی این را ندارند که به عملیات مشترك جنگی دست

آمادگی این ارتش برای مقابله بایورشهای خارجی کاست.

۶. شورای جنگ اسرائیل به طور متقابل، هدف سیاسی - نظامی ۱۹۶۷ خود را مقابله با اعراب؛ «تثبیت موقعیت بین المللی و داخلی اسرائیل در جهت فراهم آوردن مقدمات ایجاد اسرائیل بزرگ» اعلام کرد و در اجرای این هدف خواستار سرکوب شدید تمام نیروهای مسلح کشورهای عربی شد.

مرحله دوم از ۱۹۶۸ تا پایان دهه ۷۰

مرحله دوم شامل موارد زیر می شود:

۱. پس از شکست اعراب از اسرائیل و در جهت بررسی دقیق عوامل شکست و نیز اجرای نظریات علمی نظامی و فنون جنگ، برنامه ای بادو هدف زیر به اجرا درآمد:

الف) گزینش دقیق فرماندهان و تعیین وظایف و کارکردهای آنان و هماهنگ کردن نقش آنها باوظایف اقدامات مقامات سیاسی. در این زمینه، یک شورای دفاع ملی تشکیل گردید و احکامی در مورد فرماندهی و سیطره بر امور کشور و نیروهای مسلح صادر شد.

ب) بررسی دقیق موقعیت نظامی و سیاسی و آماده سازی افکار عمومی جهان، منطقه و کشور برای جنگ و نیز برآوردن نیازهای مادی و معنوی نیروهای مسلح و سایر نهادهای ذیربط.

۲. تجدید ساختار ارتش مصر که ۷۰ درصد تجهیزات و مهمات خود را در جنگ از دست داده بود. این تجدید ساختار دو دوره را پشت سر نهاد:

زندان. تنها ماشین نظامی قابل ذکر ارتش مصر بود که هم قابل مقایسه با ارتش مجهز اسرائیل نبود؛ چرا که ارتش مصر، نه تنها از لحاظ امکانات و آموزش در مرتبه پایتری از ارتش اسرائیل قرار داشته بلکه شیوه هایی را مورد استفاده قرار می داد که برای منطقه ای مانند صحرای سینا کاربرد نداشت.

ب) مصر؛ فرایند توسعه تسلیحاتی مصر تحت تأثیر دو عامل اصلی قرار داشت: نخست، تکیه بر شوروی به عنوان یک هم پیمان استراتژیک و تبلیغ ایدئولوژی این کشور در منطقه که باعث شد رهبران مصر نتوانند از نقش مثبت آمریکا برای حل و فصل منازعه بهره مند شوند بدین شکل، بر دامنه بحران افزودند. دوم، جنگ یمن که از لحاظ اقتصادی و امنیتی - نظامی به مصر ضربه زد.

بخش قابل ملاحظه ای از نیروهای مصر، بجای مقابله با اسرائیل، به منطقه ای فرستاده می شدند که از لحاظ جغرافیایی باصحرای مسطح سینا تفاوت داشت. آنها برای رویاروی باکسانی می رفتند که بر عکس ارتش کاملاً مجهز اسرائیل، از سلاحهای سبک و کم اهمیت استفاده می کردند.

در همین حال، باسرازیر شدن تسلیحات پیشرفته به نسبت ارزان قیمت شوروی به مصر، طرحهای تولید تسلیحات پیشرفته در این کشور - هواپیما و موشک - متوقف شد. به همین شکل، گسترش کارکردهای ارتش مصر و تعدد وظایف آن - مقابله باتحرکات استعماری و مرتجعانه و حمایت از جنبشهای مردمی در دنیای عرب - در منشور ملی سال ۱۹۶۲، از

الف) دوره جمال عبدالناصر که با مرگ او در ۱۹۷۰ پایان پذیرفت. این دوره، شاهد گسترش سریع روابط میان مصر و شوروی و نیز توسعه تسلیحاتی گسترده و سریع مصر بود؛

ب) دوره محمد انور سادات که چرخش سیاسی مصر را به سوی آمریکا در پی داشت.

۳. در دوره نخست، سیل تسلیحات و مستشاران روسی به مصر سرازیر شد. از آغاز ۱۹۶۸، مانورهای نظامی در امتداد کانال سوئز به اجرا در آمد و عملیات آموزش نیروهای مصری برای عبور از کانال و نابودی مواضع مستحکم اسرائیلها آغاز شد.

۴. پس از به قدرت رسیدن سادات (اکتبر ۱۹۷۲) او که برنامه خود را تقریب ارتش مصر باتکیه بر قرار دادهای منعقد شده باشوروی اعلام کرده بود، باکار شکنی های شوروی در زمینه میزان و کیفیت تسلیحات و موعد تحویل آنها مواجه گردید تا اینکه، سر انجام، به علت عدم اجرای قراردادهای تسلیحاتی بین دو کشور، در ژوئیه ۱۹۷۲، کارشناسان روسی اخراج شدند.

در اکتبر ۱۹۷۲، باتغییر وزیر دفاع و رئیس ستاد مشترک ارتش و باتکیه بر زرادخانه تسلیحاتی موجود گام مهمی به سوی جنگ برداشته شد. باپایان یافتن جنگ اکتبر، چرخشی کامل به سوی آمریکا صورت گرفت تا جایی که این کشور، در طول دهه ۸۰، مهم ترین تأمین کننده تسلیحات مصر شد.

مرحله سوم (تأپایان دهه ۸۰)

مرحله سوم نیز شامل موارد زیر است:

۱. پس از سفر سادات به بیت المقدس در ۱۹۷۷، یک سال بعد، کنفرانس سران مصر، اسرائیل و آمریکا برای انعقاد معاهده صلح در کمپ دیوید برگزار شد. در ۲۶ مارس ۱۹۷۹، معاهده صلح میان مصر و اسرائیل منعقد شد و در ۲۵ آوریل ۱۹۸۲، اسرائیل به طور کامل از صحرای سینا عقب نشینی کرد.

۲. پس از انعقاد معاهده، به منظور جایگزین کردن کمیت باکیفیت؛ از آن پس، چرخشی به سوی بازارهای تسلیحاتی غرب، بویژه آمریکا، صورت گرفت. در این راه، باانعقاد قراردادهای همکاری نظامی با آمریکا، برنامه هایی برای گسترش صنایع تسلیحاتی تنظیم شد.

توسعه صنایع نظامی و امنیت ملی

سیاست تولید تسلیحات، در داخل کشور، باتکیه بر امکانات مادی و اداری مصر، یکی از عوامل اصلی امنیت ملی این کشور را تشکیل می دهد. در این راستا، مصر از جهت مواد اولیه، صنایع تسلیحاتی، نیروی برق موردنیاز، مراکز آموزشی، کادرهای علمی و فنی و مراکز پژوهشی به نسبت خود کفاست. در حال حاضر، مجتمع های صنعتی که فعالیت در زمینه تولید تسلیحات را بر عهده دارند، به شرح زیرند:

۱. مجتمع صنعتی عرب؛ در حال حاضر، در زمینه صنایع موشکی و تولید انواع

خمسپاره، موشک و تجهیزات پرتاب موشکهای کوچک و بزرگ فعالیت دارد؛

۲. شرکت عربی - بریتانیایی صنایع نظامی؛ این شرکت در ۱۹۷۸ باهدف تولید سیستم موشکهای دور برد و فعالیت در زمینه صنایع الکترونیک تأسیس شد؛

۳. صنایع که در زمینه مونتاژ و تولید هواپیماهای کوچک و بخشی از لوازم یدکی جنگنده های روسی فعالیت دارد.

لازم بذکر است که مجتمع صنعتی عرب صنایع زیر در بر می گیرد:

۱. کارخانه مونتاژ موتور جت؛

۲. شرکت عربی - بریتانیایی سازنده هلیکوپتر؛

۳. شرکت عربی - بریتانیایی تعمیر موتور؛

۴. صنایع مربوط به تولید شناور و قایقهای موتوری و صنایع الکترونیک هوایی.



بررسی تحولات خاورمیانه

در کمیسیون روابط

خارجی مجلس نمایندگان

آمریکا

در ۱۴ ژوئن ۱۹۹۴ پلتنرو، معاون وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا، از منطقه خلیج فارس دیدار کرد. او پس از این

دیدار در کمیسیون روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا، آخرین تحولات خاورمیانه، روند صلح میان اعراب و اسرائیل، وضعیت تحریم عراق، خودمختاری نوار غزه و اریحا، وضعیت جنوب لبنان و ایران، ساختار امنیتی خلیج فارس و سیاست آمریکا در قبال مسائل فوق را مورد ارزیابی قرار داد. همچنین مشکلات مالی ایران و آمریکا برای نخستین بار، طی چند سال اخیر، و نیز وضعیت داخلی مصر و اختلافات اعضای شورای همکاری خلیج فارس را مورد بررسی قرار داد. اهم اظهارات پلتنرو و گفتگوهای طرح شده در این اجلاس به شرح زیر است:

ایران

معاون وزیر امور خارجه آمریکا خطاب به اعضای کمیسیون روابط خارجی اظهار داشت در حالی که اجلاس گروه ۷ در ژوئیه تشکیل خواهد شد، آمریکا تلاش خواهد کرد تا جبهه واحدی در مقابل ایران تشکیل دهد و مانند اجلاس گذشته بیانیه مشترکی را صادر کند. آمریکا علاقه مند است که قبل از آغاز اجلاس، با شرکت کشورهای ۷ و دیگر کشورها جلسه کارشناسی در مورد ایران تشکیل دهد. در حال حاضر، رابطه کسره شمالی با ایران برای آمریکا نگران کننده است. نگرانی آمریکا در سه زمینه است: ۱. تسلیحات استراتژیک؛ ۲. تکنولوژی دوگانه؛ ۳. جدول بندی جدید بدهی های ایران. اختلاف اساسی آمریکا با دوستانش در گروه ۷، در مورد